



2

Vol. 5  
Summer 2024

Research Paper

Received:  
23 February 2024  
Revised:  
24 May 2024  
Accepted:  
16 June 2024  
Published:  
21 June 2024  
P.P: 11-38ISSN: 2008-3564  
E-ISSN: 2645-5285

## Future research indicators of religious governance from the perspective of the thoughts of the Imams of the Revolution

Mohammad Esmail Abdollahi<sup>1</sup> | Reyhaneh Ghanaati<sup>2</sup>

### Abstract

Islam, in addition to paying attention to material and economic development, also pays attention to the spiritual and transcendent dimension of man, and considers each to be incomplete and ineffective without the other. The appropriate model of religious governance should be based on the life-giving teachings of the Holy Qur'an and the life of the Holy Prophet (PBUH) and Ahl al-Bayt (PBUH). Imams of the Islamic Revolution consider the three main pillars of governance, i.e. people, system agents and government structures and institutions. The purpose of the current research is to identify the future research indicators of religious governance from the perspective of the thoughts of the Imams of the Revolution. The analysis method of open and axial coding is such that the materials collected from articles, books and lectures were examined and then assigned to open code sentences. Open codes were classified and axial codes were selected. Finally, a suitable code was chosen. became. The results of the research showed that the future research indicators of religious governance from the perspective of the Imams of the Revolution include belief (Islamic identity) , efficiency (clarity and clarity in the goals, effectiveness and efficiency of the government, information transparency) , religious democracy (responsibility, accountability). citizen orientation (justice, fight against corruption, meritocracy) , quality of laws and regulations (supervision, rule of law) , economic health (poverty reduction), human dignity (freedom, participation, durability and sustainability) , rationalism (attention to science and scientific progress).

**Keywords:** Future studies, Religious governance, Imams of the revolution; governance, Islamic government.

1. PhD student in Higher Education Governance, Faculty of Governance, University of Tehran, Tehran, Iran.  
Email: [ghanaati.reyhaneh@ut.ac.ir](mailto:ghanaati.reyhaneh@ut.ac.ir)

2. responsible author: Mohammad Esmail Abdollahi, Faculty of Governance, University of Tehran, Tehran, Iran.

**Cite this Paper:** Abdollahi, M.E & Ghanaati, R (2024). Future research indicators of religious governance from the perspective of the thoughts of the Imams of the Revolution. *Future Studies of the Islamic Revolution*, 2(5), 11–38.

**Publisher:** Imam Hussein University

**Authors**



This article is licensed under a [Creative Commons Attribution 4.0 International License](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/) (CC BY 4.0) .



## شاخص‌های آینده‌پژوهی حکمرانی دینی از منظر اندیشه‌های امامین انقلاب

محمد اسماعیل عبداللہی\* | ریحانه قناعتی<sup>۲</sup>

## چکیده

اسلام، علاوه بر اینکه به توسعه مادی و اقتصادی توجه دارد، به بعد معنوی و متعالی انسان نیز توجه دارد و هریک را بدون دیگری ناقص و ناکارآمد می‌داند. الگوی مناسب حکمرانی دینی می‌بایست بر اساس تعالیم حیات‌بخش قرآن کریم و سیره رسول اکرم (ص) و اهل‌بیت (علیهم‌السلام) باشد. امامین انقلاب اسلامی، برای سه رکن اصلی حکمرانی یعنی مردم، کارگزاران نظام و ساختارها و نهادهای حکومتی، مؤلفه‌ها، خصوصیات و ویژگی‌هایی در نظر می‌گیرند که تحقق آن‌ها سبب هدایت جامعه به سمت تعالی مادی و معنوی می‌شود. هدف پژوهش حاضر شناسایی شاخص‌های آینده‌پژوهی حکمرانی دینی از منظر اندیشه‌های امامین انقلاب است. روش تجزیه و تحلیل کدگذاری باز و محوری، بدین صورت است که مطالب جمع‌آوری شده از مقالات، کتاب‌ها و سخنرانی‌ها مورد بررسی قرار گرفت سپس به جملات کدباز تعلق گرفت. کدهای باز طبقه‌بندی و کدهای محوری انتخاب شدند. درنهایت کد انتخابی مناسبی برگزیده شد. نتایج پژوهش نشان داد که شاخص‌های آینده‌پژوهی حکمرانی دینی از منظر اندیشه‌های امامین انقلاب شامل اعتقادی (هویت اسلامی)، بهره‌وری (صراحت و روشنی در اهداف، اثربخشی و کارایی دولت، شفافیت اطلاعاتی)، مردم‌سالاری دینی (مسئولیت‌پذیری، پاسخگویی)، شهروندمداری (عدالت، مبارزه با فساد، شایسته‌سالاری)، کیفیت قوانین و مقررات (نظارت، حاکمیت قانون)، سلامت اقتصادی (کاهش فقر)، کرامت انسانی (آزادی، مشارکت، دوام و پایداری)، خردگرایی (اهتمام به علم و پیشرفت علمی) بود.

کلیدواژه‌ها: آینده‌پژوهی، حکمرانی دینی، امامین انقلاب؛ حکمرانی، حکومت اسلامی.

۱. نویسنده مسئول: عضو گروه حکمرانی فرهنگی اجتماعی، دانشکده حکمرانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

Email: [m.e.abdollahi@ut.ac.ir](mailto:m.e.abdollahi@ut.ac.ir)

۲. دانشجو دکتری حکمرانی آموزش عالی، دانشکده حکمرانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

**استناد:** عبداللہی، محمد اسماعیل و قناعتی، ریحانه (۱۴۰۳). شاخص‌های آینده‌پژوهی حکمرانی دینی از منظر اندیشه‌های امامین

انقلاب، **نشریه علمی آینده‌پژوهی انقلاب اسلامی**، ۲(۵)، ۳۸-۱۱.

DOR: <https://dorl.net/dor/20.1001.1.27173674.1403.5.1.1.3>

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع) نویسندهگان

این مقاله تحت لیسانس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.



۲

دوره پنجم  
تابستان ۱۴۰۳

## مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۰۴  
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۳/۰۴  
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۲۷  
تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۴/۰۱  
صص: ۳۸-۱۱

شابلا چاپی: ۴۰۰۸-۴۵۲۸  
الکترونیکی: ۵۰۷۲-۲۶۴۵



## مقدمه و بیان مسئله

از نظر واژه‌شناسی، حکمرانی به واژه یونانی کو برمن به معنی هدایت کردن یا اداره کردن برمی‌گردد و توسط افلاطون در رابطه با چگونگی طراحی نظام حکومت استفاده شده است. این اصطلاح یونانی قرون وسطی بود که بر همان مفاهیم هدایت کردن، قانون‌گذاری یا راندن دلالت می‌کند. در اینجا حکمرانی، عمل یا روش حکم‌راندن و همچنین اداره یا وظیفه حکم‌راندن است. حکم‌راندن به معنی حکم‌فرمایی یا کنترل کردن با استفاده از اختیار و همچنین بودن در حکومت است (سهیلی، مرادی، ۱۴۰۰). واژه حکمرانی که از دو بخش "حکم" و "راندن" تشکیل شده، برابر نهاد مناسب‌تری است. در واقع حکم به معنای فرمان، قاعده، مقررات، نظام، تنظیم، قانون، و امثال آن است و راندن به معنای اجرا، اعمال قدرت، پیش‌بردن، راهبری، اداره، هدایت و امثال آن است. لازم به ذکر است که حکمرانی موضوعی است فرارشته‌ای و میان‌رشته‌ای، از شاخه‌های مختلف علمی همچون حقوق، جامعه‌شناسی، مدیریت، اقتصاد، علوم سیاسی، الهیات، روان‌شناسی و ... بهره می‌برد. حکمرانی، فرایند قاعده‌گذاری، اجرای قواعد، بررسی، نظارت و کاربست بازخوردها با اعمال قدرت مشروع و به‌منظور دستیابی به هدف مشترکی برای همه کنشگران و ذی‌نفعان در چارچوب ارزش‌ها و هنجارها در محیط یک سازمان یا یک کشور است. بر اساس این تعریف، تنظیم قوانین و فرایندهایی که بر سبک سیاست‌گذاری و نحوه نقش‌آفرینی کنشگران و ذی‌نفعان در فرایند سیاست‌گذاری و اعمال قدرت تأثیر می‌گذارد بخشی از وظایف حکمرانی است. بعلاوه موفقیت حکمرانی معمولاً با مشخصه‌هایی از جمله: دستیابی به ارزش‌ها، رضایتمندی، عدالت‌گستری، مهار فساد، مشارکت، مسئولیت‌پذیری، اثربخشی، یکپارچگی، و امثال آن سنجیده می‌شود (محمودی و همکاران، ۱۴۰۱). حکمرانی مفهوم بسیار گسترده‌ای دارد و نمی‌توان آن را جدا و مجزا از حوزه‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در نظر گرفت. بسیاری از شاخص‌ها و ویژگی‌های حکمرانی با اصول و مبانی دین ما علاوه بر اینکه در تضاد نیست؛ بلکه هم‌راستایی نیز دارد و اگر مفهوم حکمرانی را با اصول، فرهنگ و ارزش‌های دینی و ملی خود تطبیق دهیم الگوی مناسبی از حکمرانی که متناسب جامعه اسلامی است به دست می‌آید (شفقت رودسری، تبرزد، ۱۴۰۰). واژه حکمرانی یکی از قدیمی‌ترین واژه‌ها در مطالعه علم

سیاست است. در دوره میانه اروپا حکمرانی به معنی حکومت کردن و کنترل کردن توأم با اقتدار دلالت داشته است. باید ذکر کرد که حکمرانی، سازمانی سیاسی یا تشکیلاتی اداری نیست که نیاز به مکانی برای استقرار داشته یا نیاز به رئیس یا رهبر برای اداره تشکیلات داشته باشد. بلکه حکمرانی فرایندی است که به تصمیم‌گیری و به اجرا درآوردن تصمیمات مربوط می‌شود و فرایندها و پروسه‌های مدیریتی، اداره و مدیریت امور به دست بازیگران دولتی و غیردولتی، سازمان‌های رسمی و غیررسمی را از مرحله تصمیم‌گیری تا مرحله اجرا تحت کنترل و نظارت قرار می‌دهد (نصیری زرقانی، سلگی، ۱۴۰۱). آینده‌پژوهی در حکمرانی مطلوب به‌منظور ترسیم و تصویری جامع‌تر از این نوع حکمرانی در راستای احساس مسئولیت‌های انسانی در خلق و تحقق آینده ضرورت دارد (شیرعلی، ۱۴۰۱). قرآن کریم بر ضرورت وجود حکومت برای تأمین هدایت بشر تأکید می‌کند و آیات زیادی در مورد مسائل و موضوعات اجتماعی در قرآن وجود دارد، رابطه فرد و جامعه، سنت‌های اجتماعی، رسالت جامعه، عوامل وحدت دهنده و عوامل نابودکننده جامعه و ارزش‌های اجتماعی از مباحث مهمی است که آیاتی از قرآن به آن پرداخته‌اند. علاوه بر قرآن تاریخ اسلامی دو دوره درخشان حکمرانی قوانین الهی را در کارنامه دارد. یکی در دوره پیغمبر اکرم (ص) و دیگری در دوره امیرالمؤمنین علیه‌السلام. پیامبر (ص) با حضور در مدینه علاوه بر امور دینی بر امور دنیوی و اجتماعی مردم هم نظارت می‌کرد، نیروی نظامی تشکیل داد، مالیات جمع می‌کرد، اختلافات میان مردم را حل و فصل می‌کرد و مهم‌تر از همه، در پرتو وحی (امت اسلامی) را شکل داد (شفقت رودسری، تبرزد، ۱۴۰۰). انقلاب اسلامی نشان داد که دین می‌تواند عنصری تأثیرگذار بر نظام تصمیم‌گیری جهانی قلمداد شود و جهان اسلام باتکیه بر باورها و هنجارهای بومی از توان و قدرتمندی لازم برای شکل‌دهی به ساختارهای اجتماعی و سیاسی برخوردار است (آرایی، ۱۴۰۲). نظریه حکمرانی شایسته به رابطه شهروندان با حکومت اشاره داشته و ادعا دارد رابطه نادرست میان شهروندان و حکومت‌کنندگان از موانع اصلی توسعه‌یافتگی است و حکمرانی شایسته می‌تواند به اصلاح این رابطه پردازد (شیرعلی، ۱۴۰۱). بدون شک روند حکمرانی مردم‌پایه در ایران، یکنواخت و ثابت نبوده و همواره با فراز و نشیب‌هایی همراه بوده است؛ به این صورت که در مقاطعی نقش مردم در مشارکت سیاسی بالا و از سوی دیگر تصمیمات سیاسی از جانب صاحبان قدرت با در نظر گرفتن سعادت ملت انجام می‌گرفت و در

از منه‌ای دیگر نیز حکمرانی مردم پایه دوران حضيض خود را می‌گذرانده است. چنانچه بعد از پیروزی انقلاب مشروطه، مردمی که به تازگی جای خود را در امور سیاسی کشور باز کرده بودند، با استبداد غیرموجه شدند که مجدداً حکمرانی مطلقه را برای آنان به ارمغان آورده بود. در طول تاریخ ایران، شاهد حکومت‌های سلطنتی استبدادی و مطلق‌هایی هستیم که در آن حکمران یا فرمانروا، بدون محدودیت و چارچوب مشخص شده‌ای به سلطنت مشغول است و نه تنها حکومتش بر هیچ قانونی استوار نشده، بلکه مردم سرزمین را رعیت خویش پنداشته و برای آنان اهمیتی قائل نیست چه رسد به اینکه در قبال این رعایا پاسخگو باشد (نصیری، سلگی، ۱۴۰۰). محو هرگونه استبداد و خودکامگی و انحصارطلبی به‌عنوان یکی از آرمان‌های انقلاب اسلامی مطرح شد. تشکیل حکومت مبتنی بر قواعد و قوانین اسلامی و استقلال واقعی از بیگانگان سهم والایی در اظهارات ایشان داشت. امام (ره) با تأکید بر استقلال بر این باور بودند که ارزش حیات به آزادی و استقلال است (محمودی و همکاران، ۱۴۰۱). سؤال اساسی این پژوهش عبارت است از: شاخص‌های کلیدی مؤثر در اجرای حکمرانی مطلوب بر اساس قرآن و سنت پیامبر و سیره اهل‌بیت (ع) و اندیشه‌های امامین انقلاب در جوامع اسلامی چیست؟

زندگی امروز شهروندان پیچیده، پویا و متنوع، مستلزم ظرفیت بالای مدیریت است که تحول در عرصه حکمرانی می‌تواند آن را بهبود بخشیده و زمینه‌های مستعد برای بارور شدن آن را فراهم کند. متأسفانه امروزه و به دلیل عدم بهره‌گیری صحیح از ظرفیت نهادهای مردمی، با بحران‌های مختلفی در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی و... مواجه هستیم. باید شرایطی فراهم شود تا نهادهای مردمی در سیاست‌گذاری‌های مختلف نقش اساسی داشته باشند و با مشارکت آنان مشکلات حل گردد (محمودی و همکاران، ۱۴۰۱). جوامع غربی مدل حکمرانی خوب متناسب با فرهنگ و هنجارهای خود را تدوین و آن را به‌عنوان چارچوبی برای رسیدن به توسعه پایدار به سایر جوامع تجویز نمودند. الگوهای مذکور به دلیل تبعیت از فرهنگ سرمایه‌داری در راستای اهداف و منافع امپریالیستی نظام سلطه طرح‌ریزی و اجرا می‌شود؛ لذا این الگوهای توسعه با فرهنگ ایرانی - اسلامی جمهوری اسلامی ایران سنخیتی ندارند و در صورت اجرا به دلیل عدم اقبال مردم و گروه‌های ذی‌نفع نمی‌تواند در جهت تقویت هنجارها و قوانین جامعه مدنی حرکت کنند (شفقت رودسری، تبرزد، ۱۴۰۰).

## مبانی نظری پژوهش

### شاخص‌های کلیدی بر اساس قرآن و سنت

مجموعه‌ای از شاخص‌های کلیدی مؤثر در اجرای حکمرانی مطلوب بر اساس قرآن و سنت پیامبر و سیره اهل‌بیت (ع) در جوامع اسلامی استخراج شده که به آن اشاره می‌گردد.

۱. خدامحوری: ویژگی اصلی حکومت اسلامی، خدامحوری است وقتی انسان یادآور مالکیت حقیقی خدا نسبت به همه چیز شود، هیچ مالکیتی برای او نمی‌ماند و همه مربوط به خداست و عملش سمت‌وسوی خدایی می‌یابد.

۲. صراحت و روشنی در اهداف: هدف اصلی خداوند از آفرینش، دستیابی انسان به کمال نهایی خویش و مقام قرب الهی است، از این‌رو هدف غایی و اصلی حکومت اسلامی نیز تعالی یافتن و دستیابی انسان‌ها به کمال نهایی است و سایر اهداف حکومت اسلامی، ابزار لازم را برای دستیابی به این هدف فراهم می‌سازد.

۳. مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی: مسئولیت‌پذیری کارگزاران و مدیران حکومت در برابر حقوق دیگران به معنای پاسخگویی در برابر وظایفی است که بر عهده دارند و به‌عنوان اخلاق حرفه‌ای و سازمانی باید به آن توجه جدی کنند.

۴. عدالت‌خواهی و عدالت‌گستری: حضرت علی (ع) در دستورالعمل‌های سیاسی خود به فرمانروایان، همواره بر رعایت انصاف و عدالت بین مردم تأکید می‌کردند؛ همان‌گونه که بخش‌هایی از عهدنامه مالک‌اشتر به این موضوع اختصاص یافته است: "مالک، انصاف و عدالت را بین خدا و مردم از یک سو و خود و نزدیکان از سوی دیگر، مراعات کن".

۵. کنترل و نظارت بر عملکرد زیرمجموعه: امام علی (ع) هم خود شخصاً بر امور جاری کشور پهناور اسلامی نظارت داشتند و به کارگزاران و مدیران توصیه می‌کردند که بر کارها نظارت مستقیم کنند؛ چنان‌که آن حضرت به مالک بن کعب ارجبی، طی حکمی مأموریت داد که با مأموران تحت امر خود، منطقه وسیعی را بازرسی کند.

۶. کاهش فقر: چنان‌که امام علی (ع) به مالک می‌فرمایند: ای مالک درباره طبقه پایین مردم که چاره‌ای ندارند و در فقر و تنگدستی زندگی می‌کنند، خدا را فراموش نکن. آنچه را خداوند از

- حق خود درباره ایشان دستور داده است، رعایت کن و برای آنان قسمتی از بیت‌المال و سهمی از غنای مخالفان اسلامی هر شهر را در نظر بگیر. از این توصیه‌های علی (ع) به مالک درباره فقرزدایی از جامعه برمی‌آید که حمایت از مستمندان و نیازمندان به‌عنوان یک اصل در حکومت اسلامی مطرح است که برای تحقق آن باید تلاش کرد؛ زیرا فقر و کمبود اقتصادی، عامل بروز بسیاری از مشکلات از جمله فساد اخلاقی و ناامنی در جامعه است.
۷. تأمین آزادی مشروع مردم: امام علی (ع) بر این دیدگاه بود که خداوند انسان را آزاد قرار داده است و اینکه انسان‌ها در زندگی خود آزادند و نباید آن‌ها را به چیزی مجبور ساخت.
۸. ثبات سیاسی: اسلام با نفی تمام تبعیض‌های نژادی، قومی، زبانی و... مسلمانان را برادر و تفاوت افراد را در میزان تقوای آن‌ها می‌داند. از این رو پیامبر اکرم با برقراری حکومت اسلامی به مبارزه با این اختلاف‌ها پرداخت و ثبات سیاسی را برقرار ساخت.
۹. اثربخشی و کارایی دولت: هرچه کیفیت خدمات عمومی و شهروندی بهتر باشد و خط‌مشی‌های عمومی به‌دور از جنجال‌ها و خطوط‌ربط‌های سیاسی وضع و اجرا شود و تعهد نظام سیاسی در برابر آنها بیشتر باشد، بیانگر وضعیت بهتری در حکمرانی خوب است.
۱۰. حاکمیت قانون در اسلام: پیامبر اکرم (ص) در کنار وظایف خود به رفع اختلاف و دعوای مردم می‌پرداخت و میان آنها قضاوت می‌کرد. همچنین حضرت علی (ع) در سال فتح مکه افرادی را به‌منظور اقامه حدود الهی به مناطق مختلف اعزام می‌کرد.
۱۱. اهتمام به علم و پیشرفت علمی: در تبیین اهمیت دانش از دیدگاه قرآن، آیاتی بیان می‌شود. آیات آغاز سوره علق نشان می‌دهد رسالت اسلام بر علم بناشده و منشأ دانش خداست. دانش باید حفظ شود و قلم و نوشتن، بهترین ابزار ثبت آن است (علق / ۵-۱). دانش در کنار ایمان عامل پیشرفت تدریجی است (مجادله / ۱۱). برای تبیین اهمیت علم و دانش از دیدگاه پیامبر اکرم (ص) می‌توان به این حدیث اشاره کرد که در زمینه عدم محدودیت مکانی و فرهنگی برای دانش است: "دانش را حتی اگر در چین باشد طلب کنید؛ چرا که طلب علم بر هر مسلمانی واجب است".
۱۲. مشارکت: میزان مشارکت مردم در کارهای جامعه یکی از کلیدی‌ترین پایه‌های حکمرانی خوب به‌شمار می‌رود.
۱۳. مبارزه با فساد: فساد به معنی استفاده از قدرت و امکانات عمومی در جهت منافع شخصی است.



۱۴. شفافیت اطلاعاتی: اطلاعات صحیح و درست مانع لغزش افراد جامعه می‌گردد. در جامع‌های که اطلاعات درست و شفاف جریان داشته باشد، سطح اعتماد افزایش می‌یابد و روابط اجتماعی سالم برقرار می‌گردد.

۱۵. شایسته‌سالاری: شایسته‌سالاری بهره‌گیری از انرژی خالق افراد برگزیده است به طوری که در تمام اجزای آن، مناسب‌ترین افراد هر کدام در جای واقعی خود قرار گیرند. به عقیده امام علی (ع)، مسئله توان و شایستگی افراد جزئی از بحث عدالت است و اصل مهمی در اداره جوامع است. ایشان معتقد بود هر پستی به توان، خلاقیت، شایستگی و تخصص خاصی نیاز دارد و اگر رعایت نشود، جامعه مسیر رشد و کمال را نخواهد پیمود.

۱۶. دوام و پایداری: دوام و پایداری جامعه، موجب سازگاری بین دولت و ملت می‌شود و با توازن بخشی به قدرت دولت، موجب امنیت اقتصادی و اجتماعی و کاهش تنش در جامعه می‌گردد (شفقت رودسری، تبرزد، ۱۴۰۰).

مفاهیمی چون برابری، عدالت اجتماعی، پاسخگویی کارگزاران دولت‌ها در برابر مردم، شفافیت و مشارکت سیاسی، حقوق بشر و غیره، مفاهیمی نیستند که به یکباره پدید آمده باشند؛ بلکه ردپای بسیاری از آن‌ها را می‌توان در اندیشه سیاسی و حکمرانی حکومت امام علی (ع) یافت و سیر تکاملی آن را تا به امروز در مکتوبات جامعه‌شناسان مسلمان و غیرمسلمان بازیافت. حضرت علی (ع)، در دوران حیات خود، با ملاحظت و مهربانی با مردم برخورد می‌کنند و به مردم ارزش می‌گذارند و در مقابل جایگاه حقوق اجتماعی و حقوق اساسی آنها سخت کوش و حساس‌اند و در راستای فراهم‌سازی بسترها برای تأمین حقوق انسانی، خود را متعهد می‌دانند. آن حضرت (ع) مردم را محور حکومت می‌دانند و حکومت را در راستای تحقق ارزش‌های اسلامی و تأمین خواسته‌ها و نیازهای مردم شکل می‌دهند. امام (ع) هیچ‌گاه تحمیل و اجبار را بر مردم روا نمی‌دانستند و به‌طور کلی صمیمی‌ترین حاکم زمامدار و مردمی‌ترین حکومت‌مداران بودند، تا آنجا که حکومت آن حضرت (ع) پس از حکومت رسول گرامی اسلام حضرت محمد (ص)، حکومتی موفق و الگو برای مسلمانان خصوصاً شیعیان است. از منظر امام علی (ع)، دولت باید در جهت اصلاح امت و آحاد جامعه گام بردارد و هر تصمیمی باید بنا به مصلحت عموم - توده - مردم گرفته شود، زیرا عموم مردم هستند که جمعیت مسلمانان را تشکیل می‌دهند و یاری‌رسان

حکومت در مقابل تهدیدات و پایگاه دین خدا هستند؛ و توصیه می‌کنند: از انجام دادن هر کاری که با انگیزه سود شخصی خوشایند اما با در نظر گرفتن مصلحت اجتماعی توده مسلمانان ناخوشایند باشد، بر حذر باش! اساساً در نظام سیاسی اسلام، به توده مردم بیش از طبقه خواص و اشراف توجه شده است و اسلام همانند سایر نظام‌های سیاسی نیست که در آن‌ها رعیت و توده عنوانی است که به طبقات پایین، ضعیف و فرودست جامعه اطلاق می‌شود، بلکه آحاد مردم را در برمی‌گیرد. امام علی (ع) در این باره می‌فرمایند: و باید زینده‌ترین کارها در نظر تو کاری باشد که بیشتر در شاهراه حق بوده و شعاع عدل آن گسترده‌تر و خشنودی رعیت را فراگیرتر باشد؛ زیرا نارضایتی عامه مردم، رضایت خواص را بی‌ارج و بی‌اعتبار می‌سازد و نارضایتی خواص با خشنودی عامه قابل اغماض است و هیچ یک از مردم برای حکومت پرخرج‌تر در حال رفاه، بی‌خاصیت‌تر در شداید، گریزان‌تر از انصاف، پرتوقع‌تر در خواسته‌ها، ناسپاس‌تر در بخشش‌ها، عذر ناپذیرتر هنگام خودداری از بخشش، و کم‌صبرتر در ناملایمات روزگار، مانند خواص نیست؛ و همانا ستون دین و انبوه مسلمین و پشتوانه در برابر دشمنان، توده امت‌اند، پس باید به آنان روی و تمایل جویی (ترابی کلاته قاضی، ۱۴۰۱).

اگر مردم بدانند که فرصت‌هایی برای مشارکت مؤثر در تصمیم‌گیری وجود دارد معتقد خواهند شد که مشارکت در امور عمومی کاری ارزشمند است و بنابراین فعالانه مشارکت خواهند کرد، اما اگر حاشیه‌ای شوند و در انزوا قرار گیرند احتمالاً دلیل مناسبی برای مشارکت در فرایندهای تصمیم‌گیری نخواهند داشت. در واقع، مردمی‌سازی حکمرانی بر جریانی از مشارکت فعال شهروندان در همه حوزه‌های عمومی و حاکمیتی قرار دارد. بهترین نقطه شروع برای مشارکت فعال، جماعات محلی است، به‌ویژه محل کار، همسایگان و انجمن‌های محلی مانند انجمن اولیا و مدرسه یا جمعیت همسایگان که می‌توانند محکم‌ترین بنیان برای نهادینه‌شدن مردمی‌سازی حکمرانی باشند. کارکرد چنین انجمن‌هایی این است که آگاهی مردم را ارتقا داده و در این روند مباحثی در مورد مسائل ناحیه‌ای و ملی پیش می‌آورد. مشارکت در مردمی‌سازی حکمرانی مستقیم است؛ بدین معنی که هرگونه تصمیم‌گیری، اجرا، نظارت در هرگونه پروژه توسعه‌ای به مشارکت مستقیم مردم و فرایندهای مرتبط سیاست‌گذاری صورت می‌گیرد که این موضوع از سطح محلی تا سطح ملی به‌راحتی امکان‌پذیر است. اساساً مشارکت و درگیر کردن افراد موجب تکامل روحی و

جسمی خود مردم نیز می‌شود؛ جامعه‌ای که بتواند احساس سودمندی و مشارکت در امور اجتماعی، سیاسی و اقتصادی را پرورش دهد و توجه به مسائل دسته‌جمعی را تقویت نماید به شکل‌گیری شهروندانی آگاه و مسئولیت‌پذیر کمک می‌کند و این شهروندان دلبستگی مستمری به فرایندهای حکمرانی خواهند داشت. اگر توده مردم در فرایندهای تصمیم‌سازی مشارکت نمایند، آگاه‌تر خواهند شد و این آگاهی سبب می‌شود که نسبت به مسائل و مشکلات جامعه نیز احساس مسئولیت‌پذیری داشته باشند و بتوانند با مشارکت خود دوباره ظرفیت‌های جدیدی برای توسعه خلق نمایند. موضوع نوآوری اجتماعی که به معنی ابتکارات محلی برای حل مسائل اجتماعی - اقتصادی است بهترین نمونه مثالی است که می‌توان ذکر کرد که در آن مشارکت مردم در جامعه محلی موجب تصمیم‌سازی بهتر برای حل مسائل اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی می‌شود. شهروند آگاه و مشارکت‌جو بیشتر به حکومت احساس دلبستگی می‌کند و حکومت را جزئی از خود می‌داند. الگوی پیشرفت ایرانی - اسلامی الگویی مشارکتی که متخذ از انقلاب اسلامی است بر اساس مشارکت مردم در فرایند پیشرفت کشور است که باید به صورت تخصصی و منطقه‌ای پیگیری بشود و به تعبیر آیت‌الله خامنه‌ای مردم‌محور توسعه قرار گیرند. بسیاری از زمینه‌های مشارکت مردم در حکمرانی، مبتنی بر نهادهای غیردولتی، مردم‌نهاد و محلی و یا مذهبی است. قبل و بعد از انقلاب و در دوران جنگ تحمیلی کارکردهای نهادهایی نظیر هیئت‌های مذهبی یا انجمن‌های مختلف به اثبات رسید. این نهادها محمل مناسبی برای جلب مشارکت مردم بودند و در برخی از موارد نیز در تصمیم‌سازی‌ها نیز مؤثر بودند. امروزه تنوع نهادهای غیردولتی و مردمی در حوزه‌های آسیب‌های اجتماعی، محیط‌زیست، اقتصاد بسیار پررنگ‌تر است که این نهادها هم نقش مهمی در حکمرانی دارند. نهادهای مردم‌نهاد سه نقش مهم در حکمرانی دارد که عبارت‌اند از؛ نقش معجری: بسیج منابع برای ارائه کالاها و خدمات هم به‌عنوان بخشی از برنامه‌ها و پروژه‌های خود سازمان‌های مردم‌نهاد و هم برنامه‌های دولت و آژانس‌های حامی؛ نقش تسهیلگری: توانایی سازمان‌های مردم‌نهاد در ایجاد انگیزش، تسهیل‌سازی، یا به تغییر مثبت در میان سایر فعالان در سطح فردی یا سازمانی. این نقش، سازماندهی توده عوام و شکل‌گیری گروه و ایجاد سرمایه اجتماعی و فعالیت‌های حمایتی و.... را شامل می‌شود. نقش شریک: این نقش شامل رشدگرایش سازمان‌های مردم‌نهاد به همکاری با دولت، حامیان و بخش خصوصی برای انجام فعالیت‌ها به صورت مشارکتی و روابط پیچیده‌ای که در میان سازمان‌های مردم‌نهاد ظهور نموده است.

چهار نقش برای سازمان‌های مردم‌نهاد در ارتباط با خط‌مشی‌گذاری به‌عنوان شریک می‌توان قائل شد؛ نقش خدمات‌رسانی: اقدام مستقیم برای انجام آنچه که باید صورت گیرد. نقش وکالتی یا حمایتی: گفتگو و رایزنی با حکومت برای انجام کارهای درست. قش نوآوری: ارائه پیشنهاد و اثبات اینکه چطور کارها باید به طریق متفاوتی انجام شود. نقش نظارتی: تلاش در جهت اطمینان از اینکه حکومت و بخش خصوصی کاری که باید انجام دهند را انجام می‌دهند جدای از ماهیت و هدف هر کدام از این فعالیت‌ها و نهادها، آنچه که مهم است، توانایی از سازمان‌ها و نهادها در بکارگیری توانایی مردم به‌صورت داوطلبانه است که در صورت تعریف صحیح می‌توانند هدایت‌کننده بزرگ‌ترین سرمایه اجتماعی که مشارکت مردم در شرایط مختلف است (شیرعلی، ۱۴۰۱).

### وظایف مردم در قبال حکومت

با نگاهی به بیانات حضرت علی علیه‌السلام در نهج‌البلاغه، به برخی از وظایف مردم در قبال حکومت می‌توان اشاره نمود: الف) پذیرش قانون و حاکم اسلامی از جانب مردم: مردم باید حاکمان اسلامی را خود انتخاب کنند و پس از انتخاب از آنان آگاهانه حمایت و تبعیت نمایند. حضرت امیر در جای‌جای نهج‌البلاغه و کتب دیگر به این موضوع پرداخته‌اند؛ برای نمونه به چند مورد اشاره می‌کنیم. بر مسلمانان به حکم الهی و اسلامی واجب است که پس از کشته‌شدن یا مردن رهبرشان - اعم از این که رهبر گمراه باشد یا اهل هدایت، مورد ستم یا ستمگر، خونش حلال باشد یا حرام - قبل از هر کار و اقدام، به انتخاب رهبری برای خویش اقدام کنند که پاک‌دامن، عالم، پرهیزکار و آشنا به احکام قضایی و سنت نبوی باشد و سبب وحدت آنان و حکومت (استقرار نظم) در جامعه آنان شود و داد مظلوم از ظالم بستاند. ای مردم، کسی در امر حکومت حقی ندارد مگر آن کس که شما مأمور به حکومت کنید. دیروز بر سر مسئله‌ای از هم جدا شدیم و اینک اگر دوست دارید و بخواهید به امر حکومت شما می‌پردازم و در غیر این صورت از کسی هم گله‌مند نیستم. اگر با رضایت شما را تبعیت کردند و وفاق عمومی بر حکومت شما پیدا شد به امر حکومت آنان پرداز و در غیر این صورت امر آنان را رها کن. ب) نظارت بر حاکمان منتخب در نظام اسلامی: نظارت بر کار حکومت از مهم‌ترین مسائل و درعین‌حال پیچیده‌ترین امور در نظام‌های سیاسی گذشته و حال بوده است و حتی مسئله تفکیک قوا که در نظام‌های جمهوری مورد پذیرش قرار گرفته و مبنای تقسیم وظایف حکومت است، به‌عنوان یک سازوکار نظارتی مورد توجه قرار می‌گیرد. از مهم‌ترین راهکارهای عملی نظارت بر عملکرد حکومت و حاکمان،

نظارت خود مردم به عنوان صاحبان اصلی حکومت است. امام علی به این حق مردم؛ یعنی نظارت بر کار حکومت تصریح کرده‌اند و به مردمی که با ایشان بیعت کرده بودند می‌فرمود: آگاه باشید که حق شماست بر من که چیزی را از شما مخفی ندارم مگر در مسائل نظامی و امور جنگ (که قطعاً باید پوشیده بمانند) و یا این که کاری را مگر آن جا که حکم شرع در کار باشد، بدون در نظر گرفتن خواست و نظر شما انجام ندهم. (ج) مشاوره و نصیحت‌گری به حاکمان: امام علی با درک محدودیت‌های بینش و توانایی‌های حاکمان و این که آنان به‌ویژه در شرایط خاص اقتدار که قرار می‌گیرند، بیشتر در معرض خطا و اشتباه هستند، برای مردم به طور عموم و برای آگاهان جامعه به طور خاص نقش ویژه‌ای در مشاوره و نصیحت‌گری به حاکم یا حاکمان قائل است و حتی آن را یک وظیفه، هم برای حاکمان و هم برای مردم و آگاهان تلقی می‌کند. حضرت امیر در سخنانی به حاکمان گوشزد می‌کند که با اهل اندیشه و فکر همنشینی و گفتگو داشته باشند و می‌فرماید: با دانشمندان فراوان گفت‌وگو کن و با حکیمان فراوان سخن در میان نه در آنچه کار شهره‌ایت را استوار دارد و نظمی را که مردم پیش از تو بر آن بوده‌اند برقرار. افلاطون معتقد بود یا حاکمان باید فیلسوف گردند و یا فلاسفه حاکم شوند و آن را بهترین شکل حکومت خردمندانه می‌دانست. وجود روحیه نصیحت‌گری و خیرخواهی نسبت به حاکمان نه تنها نشانه ضعف نظام‌های سیاسی محسوب نمی‌شود، بلکه نشان‌دهنده پویایی و زنده‌بودن جامعه سیاسی و بلوغ سیاسی مردم و حتی بلوغ علمی و فرهنگی آنان است و از سوی دیگر نشان‌دهنده علاقه و عشق مردم به نظام سیاسی حاکم و رهبران آن است. (د) سؤال و استیضاح از عملکرد حاکمان و حکومت: سؤال و استیضاح دو نمود بارز از مشارکت سیاسی مردم است و از جمله حقوق سیاسی افراد محسوب می‌شود حکومت و نظام اسلامی، حکومت و نظام پاسخ‌گوست و موظف است هم امکان سؤال و استیضاح را فراهم آورد، هم نسبت به آن احساس تعهد و مسئولیت کند و متعهدانه پاسخگو باشد. احساس تعهد به پاسخ‌گویی دولت‌ها در مقابل مردم که بی‌شک اگر دولت‌ها به خواست، نظر و مشکلات و دیدگاه‌های مردم توجه کنند و خود را موظف به حل مشکلات آنان و تحقق آمال و آرزوهای آن‌ها - به‌ویژه در یک جامعه اسلامی - بدانند، توسعه سیاسی در حد بسیار بالایی تحقق خواهد یافت.

حضرت امیر در عهدنامه مالک‌اشتر چنین می‌فرماید: اگر رعیت بر تو گمان ستم برد، عذر خود را آشکارا با آنان در میان بگذار و با این کار آنان را از بدگمانی‌شان خارج ساز که بدین رفتار خود

را به عدالت، خوی و عادت می‌دهی و با عذری که می‌آوری، به آنچه می‌خواهی می‌رسی و آنان را نیز به حق استوار می‌سازی. حساب خود را برای من باز پس بده و بدان که حساب خدا بزرگ‌تر از حساب مردمان است. در دیده مردم پارسا، زشت‌ترین خوی والیان آن است که بخواهند مردم آنان را دوستدار بزرگ‌منشی بشمارند و کارهایشان را به حساب کبر و خودخواهی بگذارند و خوش ندارم که در خاطر شما بگذرد که من دوستدار ستودنم و خواهان ستایش شنودن. سپاس خدا را که بر چنین صفت نزادم و اگر ستایش دوست بودم آن را وامی‌نهادم: مخالفت با حکومت در صورت خروج از مدار شرع و احکام دینی: حکومت دینی حکومت احکام و ارزش‌های الهی و دینی در جامعه است که در قالب قوانین اساسی و موضوعه غیر مغایر با موازین شرع تجلی می‌یابد و بدیهی است خروج از این مدار سبب و مجوز عدم اطاعت از آن خواهد بود. حضرت امیر زمانی که عبدالله بن عباس را برای حکومت بصره مأمور می‌ساخت، خطاب به مردم فرمود: ای مردم، من عبدالله بن عباس را به‌عنوان جانشین خود بر شما حاکم و والی قرار دادم. سخن او را بشنوید و از امر او مادام که در اطاعت خدا و رسول اوست اطاعت کنید و اگر بدعتی نهاد یا از حق روی گردان شد به من اطلاع دهید تا او را از حکومت کردن بر شما عزل کنم. زمانی که مردم برای حکومت حضرت علی بیعت می‌کردند، همین شرط را (بیعت گیرندگان) با آنان در میان می‌گذاشتند: ما از شما به شرط اطاعت از خدا و رسول خدا بیعت می‌گیریم و اگر بر آن وفادار نماند، هیچ اطاعتی بر شما نیست و بر گردن شما هم بیعتی نیست. آن راهنمای ما و شماس (ترابی کلاته قاضی، ۱۴۰۱).

با نگاه به دهه‌های اول انقلاب متوجه می‌شویم که ارتباط تنگاتنگی بین نهادهای مردمی و حاکمیت وجود دارد و دوگانه‌سازی دولت و مردم به معنای امروزی مشهود نیست. دوگانه‌سازی یعنی نقش تماشاگران مردم و تعیین‌کننده دولت و از عوارض آن مشکلات کنونی جامعه در عدم وجود اراده جدی برای حل مشکلات عامه از سمت دولت است و مردم با وجود دوگانه‌سازی بجای مطالبه‌گری و تعیین راه‌های برون‌رفت از مشکلات صرفاً به نقادان عملکرد دولتمردان و ناسازگاران این صحنه مبدل می‌شوند. مشاهده می‌شود که از ابتدای انقلاب در ایران رویکرد حکمرانی بر مردمی‌سازی و استفاده از ظرفیت‌های خود مردم بود. کار را به خود مردم سپردن، جلوگیری از هرگونه دخالت بیجا و مانع مشارکت، به همراه ظرفیت‌سازی‌های جدید برای بهره‌گیری از مشارکت‌های مردمی در فرایند حکمرانی مردمی یا مردمی‌سازی حکمرانی نقشی

بسیار اساسی و تعیین کننده دارد. مردم در رکن سیاسی جامعه با نقش آفرینی در انتخاب مسئولین و همچنین رد یا تأیید تصمیمات کلان همچون قانون اساسی با حضور در انتخابات، در اداره کشور مشارکت دارند. از دیگر نقش آفرینی‌های مردم در عرصه سیاست، حضور در راهپیمایی‌ها و تظاهرات است که چهره سیاسی مطلوبی از کشور در دنیا ترسیم می‌کند. در رکن اجتماعی جامعه، مردم به‌عنوان کمک‌رسان و در قالب گروه‌ها و تشکل‌های مردمی، به حاکمیت و سایر مردم در حل مشکلاتشان کمک می‌کنند. نقش دیگر مردم در رکن اجتماعی جامعه به‌عنوان ناظر است؛ نظارت مردم بر نهادهای حاکمیتی و دولتی جهت بهبود خدمت‌رسانی، نظارت مردم بر بنگاه‌های اقتصادی جهت جلوگیری از فساد و گران‌فروشی، نظارت مردم بر مردم که در اسلام تحت عنوان امر به معروف و نهی از منکر مطرح می‌شود، از جمله مصادیق حضور و مشارکت مردم در رکن اجتماعی جامعه است که جایگزین دیگری ندارد. در رکن فرهنگی جامعه، مردم به‌عنوان مروج فرهنگ ایرانی و اسلامی می‌توانند مشارکت داشته باشند. در رکن اقتصادی جامعه نیز، حضور مردم می‌تواند به‌عنوان تولیدکننده، سرمایه‌گذار و مصرف‌کننده مؤثر واقع شود (شیرعلی، ۱۴۰۱).

یکی از خواسته‌های مردم، حضور و نقش مردم و آرای‌شان در مدیریت کشور است و چون مؤمن به اسلام‌اند، پس مطلوب آنان نظام مردم‌سالاری اسلامی است؛ یعنی حاکمان با رأی مردم انتخاب شوند و ارزش‌ها و اصول حاکم بر جامعه اصول مبتنی بر شریعت اسلامی باشد (کاویانی و دیگران، ۱۴۰۱).



شکل ۱- شاخص‌های نظام سیاسی مردم‌سالاری دنیا

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ولایت امر در عصر غیبت را به ولایت فقیه سپرده است: در زمان غیبت حضرت ولی عصر (عج)، در جمهوری اسلامی ایران ولایت امر و امامت امت بر عهده فقیه عادل و باتقوا، آگاه به زمان، شجاع، مدیر و مدبر است که طبق اصل یک‌صد و هفتم عهده‌دار آن می‌گردد. انقلاب اسلامی، به‌عنوان پدیده‌ای که بر بنیاد ارزش‌های دینی باتکیه بر روش‌ها و شیوه‌های خاص حکومت‌داری، شکل گرفت و مدل جدیدی از مقاومت و مبارزه با استبداد و استعمار را به نمایش گذاشت، الگوی جدیدی از مدیریت در عرصه قدرت، سیاست و حاکمیت را متجلی و شکل جدیدی از تأثیرگذاری و متفاوت از کارکرد تاریخی مزبور را بنا نهاد و نوعی از جریان احیاء، بیداری فکری و ایدئولوژیک را سامان داد و هدایت کرد. انقلاب اسلامی باتکیه بر حکمرانی فرهنگی به‌ویژه ارزش‌هایی نظیر آموزه‌های اسلامی، مردم‌سالاری دینی، فرهنگ مقاومت و شهادت، معنویت و ولایت فقیه توانسته به احیای خودباوری دینی و بیداری اسلامی در عرصه منطقه‌ای و تأثیرگذاری بر مناسبات جهانی پردازد و اقتدار فرهنگی و نرم‌افزاری خود را در عرصه بین‌المللی به منصفه ظهور رساند (آرایی، ۱۴۰۲).

### ابعاد حکمرانی از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای

در دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای دولت به معنای مجموعه کارگزاران و نهادهای حکمرانی اطلاق می‌شود: دولت به معنای عام، نه به معنای هیئت وزراء؛ یعنی قوای سه‌گانه، مسئولان کشور، رهبری و همه. با رجوع به بیانات معظم له تلاش می‌شود ابعاد و شاخص‌های حکمرانی متعالی از دید ایشان تبیین می‌گردد.

۱. سلامت اعتقادی، اخلاقی و عملکردی مسئولان: به اعتقاد آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، سلامت اعتقادی، اخلاقی و عملکردی کارگزاران دولت اسلامی مهم‌ترین سنجه در ارزیابی تحقق حکمرانی متعالی می‌باشد. آیت‌الله خامنه‌ای سه ویژگی شخصیتی امام را برمی‌شمارد که از نظر معظم له مسئولین نظام باید این خصوصیات را داشته باشند. سه باور در امام بزرگوار ما وجود داشت که همین سه باور به او قاطعیت می‌داد، شجاعت می‌داد و استقامت می‌داد: باور به خدا، باور به مردم، و باور به خود. این سه باور، در وجود امام، در تصمیم امام، در همه حرکت‌های امام، خود را به معنای واقعی کلمه نشان داد.



۲. حکومت مبتنی بر ولایت: ولایت، معنای عجیبی است. اصل معنای ولایت، عبارت از نزدیک بودن دو چیز با یکدیگر است. فرض بفرمایید وقتی که دو ریسمان، محکم به هم تابیده می‌شوند و جدا کردن آنها از یکدیگر، به آسانی ممکن نیست، آن را در عربی ولایت می‌گویند. اسلام، حکومت را با تعبیر ولایت بیان می‌کند و شخصی را که در رأس حکومت قرار دارد به‌عنوان والی، ولی، مولا - یعنی اشتقاقات کلمه ولایت - معرفی می‌کند. معنای آن چیست؟ معنای آن، این است که در نظام سیاسی اسلام، آن کسی که در رأس قدرت قرار دارد و آن کسانی که قدرت حکومت بر آنها در اختیار اوست، ارتباط و اتصال و پیوستگی جدایی‌ناپذیری از هم دارند. این، معنای این قضیه است.

۳. عدالت محوری: آیت‌الله خامنه‌ای می‌فرمایند: امروز بعد از گذشت قرن‌ها، اگر بخواهیم عدالت را تعریف کنیم و آن را در ضمن مثال و نمونه بیان کنیم، هیچ مثالی رساتر و گویاتر از رفتار امیرالمؤمنین علیه‌السلام نمی‌توانیم پیدا کنیم. هرچه بتوانیم عدل را در جامعه بیشتر مستقر کنیم، شباهت ما به امیرالمؤمنین و تمسک ما به ولایت آن بزرگوار بیشتر خواهد شد.

۴. حاکمیت اسلام: اول چیزی که در خط امام مهم است، تعقیب هدف اسلامی و حاکمیت اسلامی در صحنه ایمان و در صحنه عمل است.

۵. مردم‌سالاری دینی: آیت‌الله خامنه‌ای برای مردم هم در تشکیل و هم استمرار دولت اسلامی نقش اساسی قائل هستند و معتقدند در انقلاب اسلامی، مردم نقش خود را به‌خوبی ایفا کردند. ایشان می‌فرمایند: در نظام اسلامی، مردم تعیین‌کننده‌اند.

۶. تعالی معنوی در کنار رفاه مادی: آیت‌الله خامنه‌ای می‌فرمایند: کشوری که اسلام برای ما خواسته است، جامعه‌ای که اسلام برای ما خواسته است؛ جامعه‌ای که در آن، عزت دنیا هست، رفاه دنیا هست، ایمان و اخلاق و معنویت هم در آن هست. آیت‌الله خامنه‌ای می‌فرمایند: هدف جمهوری اسلامی عبارت است از رسیدن به آرمان‌های اسلام یعنی سعادت مادی و معنوی بشر، یعنی پیشرفت در امور زندگی مادی و معنوی.

۷. اقتدار درون‌زا: امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) یکی از عوامل پیشرفت جامعه اسلامی را اقتدار بر خواسته از توانمندی‌های داخلی برمی‌شمارند و از آن به اقتدار درون‌زا یاد می‌کنند از منظر ایشان اقتدار درون‌زا باید شامل اقتدار علمی، اقتدار دفاعی، اقتدار اقتصادی را شامل شود.

۸. کارایی و اثربخشی نهادها و ساختارهای حکومت اسلامی: آیت‌الله خامنه‌ای از نهادهای قانونی کشور حمایت کرده‌اند، ایشان فرموده‌اند: بنده از تمام نهادهای قانونی کشور به حد دفاع می‌کنم. آنچه که در مورد اشخاص و شخصیت‌ها و نهادها برای من مهم است، دفاع از جایگاه و مسئولیت آن‌ها و کمک به حسن انجام کارشان است (شفقت رودسری، تبرزد، ۱۴۰۰).

بیانیه گام دوم انقلاب تجدید مطلق است خطاب به ملت ایران به‌ویژه جوانان که به‌مثابه منشوری برای دومین مرحله خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی خواهد بود و فصل جدید زندگی جمهوری اسلامی را رقم می‌زند. این گام دوم انقلاب را به آرمان بزرگش که ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت هست، نزدیک خواهد کرد. فرماندهی کل قوا در این بیانیه می‌فرماید: شما فرزندان عزیزم در مورد چند سرفصل اساسی توصیه‌هایی می‌کنم. این سرفصل‌ها عبارت‌اند از: علم و پژوهش، معنویت و اخلاق، اقتصاد، عدالت و مبارزه با فساد، استقلال و آزادی، عزت ملی و روابط خارجی و مرزبندی با دشمن، سبک زندگی. فرامین و منویات فرماندهی معظم کل قوا به‌عنوان یک دانشمند برجسته اسلامی و متفکر زمان‌شناس در ترسیم جایگاه حکمرانی اسلامی در جمهوری اسلامی ایران راهگشاست. یقیناً تاسی کامل به قرآن کریم و سیره اهل بیت (ع) و ولایت فقیه و فرماندهی معظم رهبری، حلال تمامی مشکلات بشریت در ابعاد گوناگون به شمار می‌رود. آیت‌الله خامنه‌ای مرحله اول این فرایند را شکل‌گیری انقلاب اسلامی، مرحله دوم را تشکیل نظام اسلامی، مرحله سوم را تشکیل دولت اسلامی، مرحله چهارم را تشکیل جامعه اسلامی و گام نهایی را تحقق تمدن اسلامی دانسته بودند. پیشنهادهای راهبردی برای تحقق حکمرانی اسلامی مردم پایه بر اساس مدیریت جهادی با تأکید بر بیانیه گام دوم انقلاب شامل: افزایش روحیه انقلابی در مردم کشور؛ جهش و جهاد علمی در تمام حوزه‌ها و سطوح مردمی؛ عدم ترس و امیدواری به آینده برای عموم جامعه؛ اعتقاد راسخ به جمله ما می‌توانیم بخصوص در صنعت تجهیزات نظامی و عدم وابستگی؛ تجربه‌آموزی و کسب مهارت‌های علمی و عملی جوانان در کشور برای گرفتن مسئولیت‌های آتی با - حمایت همه‌جانبه فرماندهان و مسئولین و مدیران و حکمرانی اسلامی مردم پایه؛ (سهیلی، مرادی، ۱۴۰۰).

جهان پیش از پیروزی انقلاب اسلامی در حوزه نفوذ و تسلط تقسیم شده دو بلوک بود، در آن دوره استراتژی و راهبرد قدرت‌های برتر شوروی و آمریکا بر ساخت حوادث غلبه داشت. برخلاف

دوره کنونی که استراتژی دولت‌ها و ملت‌ها غلبه دارد. تا پیروزی انقلاب اسلامی ایران، جنگ‌ها مقیاس کوچک‌تری از درگیری این دو قدرت بود. دو قدرت درگیری خود را به صورت نیابتی اداره و هدایت می‌کردند. در این برهه خبری از جهان اسلام نبود؛ جهان اسلام نیز تقسیم شده بین این دو قدرت بود. گروهی از کشورهای متحد آمریکا و گروهی نیز با شوروی که بعد از فروپاشی مستقل شدند. نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران پس از پیروزی و طرح و تثبیت ساختار سیاسی از زمان تأسیس تا رحلت بنیان‌گذار انقلاب اسلامی همواره در حال تکامل ساختار سیاسی خود بوده است، از نشانه‌های این موضوع مسئله بازنگری قانون اساسی بود که در دوره پایانی حیات امام شروع شده و بعد از رحلت امام خمینی (ره) به همه‌پرسی گذاشته شد (قاسمی، ۱۴۰۱).

امام خمینی در صحیفه نور می‌فرماید: هم حضرت امیر با سلطنت - جسارت است که من سلطنت به ایشان بگویم - با خلافت چندین مملکتی که ایران یکی از آنها، حجاز یکی از آنها، نمی‌دانم عراق یکی از آنها، اردن یکی از آنها، مصر یکی از آنها [بوده]؛ این یک همچو دامنه‌ای آن وقت داشته سلطنت ایشان، با این دامنه سلطنت، زندگی خودش را ببینیم که آیا این غمخوار ملت است یا این‌هایی که اینها می‌گویند؟ مقایسه بکنید و زندگی‌شان را در تاریخ ببینید. آئی که نقل می‌کنند یک پوستی ایشان داشته است، یک پوست گوسفندی داشته، شب‌ها خودش و عیالش رویش می‌خوابیده‌اند؛ روز هم این را می‌گذاشتند آنجا برای شترشان علف می‌ریختند. این زندگی حضرت امیر! در عمرش شاید یک‌دفعه یک نان سیری نخورده باشد. آن وضع خوراک حضرت امیر که در آن [صندوقچه] را (امام خمینی، ج ۴: ۲۲۰). حکومت اسلامی در منظومه فکری آیت الله خامنه‌ای حکومتی است که از بازتاب سیاسی عناصری چون توحید، راهنما شناسی، معاد شناسی، هستی شناسی، انسان شناسی و مولفه‌های اعتقادی و بازتاب سیاسی عناصری چون امانت، عدالت، صداقت، تقوا و مولفه‌های اخلاقی و بازتاب سیاسی عناصری چون امر به معروف و نهی از منکر، حج، مصلحت، جهاد و امثالهم تشکیل شده است (ساغری و دیگران، ۱۴۰۱).

آیت‌الله خامنه‌ای می‌فرماید: پایه‌های جمهوری اسلامی سه تا است که عبارت‌اند از: عقلانیت، عدالت و معنویت. خروجی هر سه می‌شود قرب معنوی که نتیجه آن بسترسازی برای اقتدار حاکمیت است. چرا که عدالتی که به دنبال آن هستیم برای آن است که معنویت ایجاد کنیم.

## پیشینه پژوهش

رحیمیان و همکار (۱۴۰۲) در پژوهشی با عنوان بررسی تطبیقی اصل پاسخگویی حکومت در اندیشه شهید صدر و آیت‌الله خامنه‌ای به این نتایج رسیدند که پاسخگویی به‌طور کلی حقیقتی عقلی و جهان‌شمول بوده و نمی‌توان از تباین ذاتی میان پاسخگویی در معنای مدرن و پاسخگویی در اندیشه اسلامی سخن گفت؛ شهید صدر و آیت‌الله خامنه‌ای را با توجه به دارابودن منبع و آبشخور فکری واحد، نسبت به اصل پاسخگویی و جایگاه و اهمیت آن دیدگاه وجود دارد.

صادقی و همکار (۱۴۰۲) در پژوهشی با عنوان مبانی و شاخص‌های دولت اسلامی از منظر آیت‌الله خامنه‌ای به این نتایج رسیدند که شکل‌گیری دولت اسلامی در سایه شاخص‌هایی نظیر جهت‌گیری ارزشی-اعتقادی، حفظ هویت اسلامی، پابندی به موازین مردم‌سالاری دینی، خدمتگزاری، عدالت محوری، قانونگرایی، علم محوری، خردگرایی، ظلم‌ستیزی و سلامت اقتصادی با الگوگیری از دولت نبوی و علوی تحقق می‌یابد.

ساغری و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان مفهوم‌شناسی حکومت اسلامی در اندیشه سیاسی آیت‌الله العظمی خامنه‌ای به این نتایج رسیدند که حکومت اسلامی در اندیشه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای با سه موضوع محوری جایگاه حاکمیت، نقش رهبری و جایگاه دولت قابل شرح و تبیین است. مقصود از جایگاه حاکمیت، نظریه کلانی به مثابه چارچوب و سازه اصلی هر نظام سیاسی می‌باشد و بقیه ارکان از قبیل رهبری و دولت مبتنی بر آن شکل می‌گیرد. نظریه رهبری نیز راس هر نظام سیاسی است که مبتنی بر نظریه حاکمیت و در چارچوب شرایط و ضوابط آن شکل می‌گیرد. رهبری پس از تاسیس حکومت به دنبال تاسیس سازوکاری برای اداره امور و اجرای احکام و قوانین است که ساختار این سازوکار در نظریه‌های مختلف حاکمیتی و رهبری می‌تواند متفاوت باشد. در این مسیر ویژگی‌های رهبری و سایر کارگزاران دولتی در درجه بعدی تبیین‌کننده ابعاد حکومت اسلامی و کارکردهای آن خواهند بود.

دهقان و همکار (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان ارائه الگوی حکمرانی مردم محور اسلامی بر فضای مجازی به این نتایج رسیدند که باید نظام پدافندی فضای مجازی در ذهن تک تک افراد جامعه شکل بگیرد که در غیر این صورت و صرف استفاده از ابزار و فناوری، نیروی دفاعی، پدافند موفقی شکل نخواهد گرفت. اگر به رسانه های اجتماعی همانند یک جامعه انسانی با تقریبا همه قابلیت های جهان واقعی و شاید بیش از آن بنگریم آنگاه می توان در این جامعه برخط، به تشکیل حکومت اسلامی بر اساس ارکان مردم سالاری و دین اسلام پرداخت. لذا می توان گفت اگر شبکه های اجتماعی و فضای مجازی به صورت صحیح و درست و بر مبنای الگوی اسلامی ایرانی طراحی شود هیچ گونه منافاتی با اساس دین اسلام ندارد بلکه در راستای توسعه دین اسلام و رفاه بشریت گام برمی دارد.

یقینی و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان ارائه مولفه های راهبردی حکمرانی محلی فرهنگی بر اساس بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی به این نتایج رسیدند که مؤلفه هایی راهبردی حکمرانی محلی فرهنگی بر اساس گام دوم انقلاب اسلامی در ابعاد مختلف وجود دارد و هر کدام از آن ها مورد تحلیل راهبردی قرار گرفته و در نهایت درجه شکاف آنها به ترتیب اولویت شناسایی گردید. مؤلفه های مذکور عبارت اند از: قانون گرایی، پاسخگویی، همدلی و اتحاد، عدالت، پایش و نظارت، توجه به اولویت اصل رهبری بجای مدیریت، توجه به هویت ایرانی-اسلامی، توجه به اصل ارتقای سرمایه اجتماعی بصورت پیوسته و دائمی، عمق بخشی و درونی شده آموزه های فرهنگی و ...

زارع و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان آینده اندیشی از منظر امام خمینی (ره) به این نتایج رسیدند که در دیدگاه حضرت امام (ره) آینده، ساختنی است و انقلاب و نظام اسلامی زمینه ساز ظهور حضرت مهدی (عج الله تعالی فرجه الشریف) است. امام خمینی (ره) جریان انقلاب و چشم انداز آن را زمینه ساز ظهور معرفی کرده و آن را به چشم انداز اعلای ظهور آن موعود می داند.

## روش‌شناسی پژوهش

روش تجزیه و تحلیل کدگذاری باز و محوری، بدین صورت است که مطالب جمع‌آوری شده از مقالات، کتاب‌ها و سخنرانی‌ها مورد بررسی قرار گرفت سپس به جملات کدباز تعلق گرفت. کدهای باز طبقه‌بندی و کدهای محوری انتخاب شدند. در نهایت کد انتخابی مناسبی برگزیده شد.

## یافته‌های پژوهش

کد انتخابی	کدهای محوری	کدهای باز استخراج شده	قسمت‌هایی از مطالب
شاخص‌های آینده‌پژوهی حکمرانی دینی از منظر اندیشه‌های امامین انقلاب	اعتقادی (هویت اسلامی)	خدای محوری	ویژگی اصلی حکومت اسلامی، خدای محوری است وقتی انسان یادآور مالکیت حقیقی خدا نسبت به همه چیز شود، هیچ مالکیتی برای او نمی‌ماند و همه مربوط به خداست و عملش سمت‌وسوی خدایی می‌یابد.
	بهره‌وری	صراحت و روشنی در اهداف اثربخشی و کارایی دولت شفافیت اطلاعاتی	هدف اصلی خداوند از آفرینش، دستیابی انسان به کمال نهایی خویش و مقام قرب الهی است، ازای نیرو، هدف غایی و اصلی حکومت اسلامی نیز تعالی یافتن و دستیابی انسان‌ها به کمال نهایی است و سایر اهداف حکومت اسلامی، ابزار لازم را برای دستیابی به این هدف

			<p>فراهم می‌سازد. هرچه کیفیت خدمات عمومی و شهروندی بهتر باشد و خط‌مشی‌های عمومی به‌دوراز جنجال‌ها و خطوط‌ربط‌های سیاسی وضع و اجرا شود و تعهد نظام سیاسی در برابر آنها بیشتر باشد، بیانگر وضعیت بهتری در حکمرانی خوب است. اطلاعات صحیح و درست مانع لغزش افراد جامعه می‌گردد. در جامع‌های که اطلاعات درست و شفاف جریان داشته باشد، سطح اعتماد افزایش می‌یابد و روابط اجتماعی سالم برقرار می‌گردد.</p>
	<p>مردم‌سالاری دینی</p>	<p>مسئولیت‌پذیری پاسخگویی</p>	<p>مسئولیت‌پذیری کارگزاران و مدیران حکومت در برابر حقوق دیگران به معنای پاسخگویی در برابر وظایفی است که بر عهده دارند و به‌عنوان اخلاق حرفه‌ای و سازمانی باید به آن توجه جدی کنند. پاسخگویی یکی از</p>

			<p>شاخص‌های کلیدی حکمرانی مردم پایه است که بر اساس آن نه تنها نهادهای دولتی، بلکه بخش خصوصی و سازمان‌های مختلف جامعه مدنی نیز باید در برابر عامه مردم و ذی‌نفعانی که جزو آن نهاد به حساب می‌آیند پاسخگو باشند. در نگاه آیت‌الله خامنه‌ای معیار و شاخص پاسخگویی عمومی قانون است و هر صاحب‌منصبی به نسبت میزان اختیارات قانونی خود باید پاسخگو باشد.</p>
	<p>شهروندمداری</p>	<p>عدالت مبارزه با فساد شایسته‌سالاری</p>	<p>امیرالمؤمنین (ع) می‌فرمایند: به خدا سوگند اگر هفت اقلیم را با آنچه زیر آسمان‌ها است به من دهند تا خدا را نافرمانی کنم در پوست جوی که ناروا از مورچه‌ای بگیرم، چنین نخواهم کرد. حضرت علی (ع) در دستورالعمل‌های سیاسی خود به فرمانروایان، همواره بر رعایت انصاف</p>



			<p>و عدالت بین مردم تأکید می‌کردند؛ همان‌گونه که بخش‌هایی از عهدنامه مالک‌اشتر به این موضوع اختصاص یافته است. از منظر آیت‌الله خامنه‌ای، عدالت‌محوری برای دولت اسلامی، اولین شاخص دولت اسلامی است. فساد به معنی استفاده از قدرت و امکانات عمومی در جهت منافع شخصی است. سلامت اقتصادی و مبارزه با فساد و تجمل، آخرین شاخص دولت اسلامی است. شایسته‌سالاری بهره‌گیری از انرژی خالق افراد برگزیده است به طوری که در تمام اجزای آن، مناسب‌ترین افراد هرکدام در جای واقعی خود قرار گیرند.</p>
	<p>کیفیت قوانین و مقررات</p>	<p>نظارت حاکمیت قانون</p>	<p>امام علی (ع) هم خود شخصاً بر امور جاری کشور پهناور اسلامی نظارت داشتند و به کارگزاران و مدیران توصیه</p>

			<p>می‌کردند که بر کارها نظارت مستقیم کنند؛ چنانچه آن حضرت به مالک بن کعب ارحیبی، طی حکمی مأموریت داد که با مأموران تحت امر خود، منطقه وسیعی را بازرسی کند. پیامبر اکرم (ص) در کنار وظایف خود به رفع اختلاف و دعواهای مردم می‌پرداخت و میان آنها قضاوت می‌کرد. همچنین حضرت علی (ع) در سال فتح مکه افرادی را به منظور اقامه حدود الهی به مناطق مختلف اعزام می‌کرد.</p>
	<p>سلامت اقتصادی</p>	<p>کاهش فقر</p>	<p>چنان‌که امام علی (ع) به مالک می‌فرمایند: ای مالک درباره طبقه پایین مردم که چاره‌ای ندارند و در فقر و تنگدستی زندگی می‌کنند، خدا را فراموش نکن. آنچه را خداوند از حق خود درباره ایشان دستور داده است، رعایت کن و برای آنان قسمتی از بیت‌المال و سهمی از غنای مخالص</p>

			اسلامی هر شهر را در نظر بگیر.
	کرامت انسانی	آزادی مشارکت دوام و پایداری	امام علی (ع) بر این دیدگاه بود که خداوند انسان را آزاد قرار داده است و اینکه انسان‌ها در زندگی خود آزادند و نباید آن‌ها را به چیزی مجبور ساخت. میزان مشارکت مردم در کارهای جامعه یکی از کلیدی‌ترین پایه‌های حکمرانی خوب به شمار می‌رود. دوام و پایداری جامعه، موجب سازگاری بین دولت و ملت می‌شود و با توازن بخشی به قدرت دولت، موجب امنیت اقتصادی و اجتماعی و کاهش تنش در جامعه می‌گردد.
	خردگرایی	اهتمام به علم و پیشرفت علمی	در تبیین اهمیت دانش از دیدگاه قرآن، آیاتی بیان می‌شود. آیات آغاز سوره علق نشان می‌دهد رسالت اسلام بر علم بنا شده و منشأ دانش خداست.

## نتیجه‌گیری و پیشنهادها

امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) هر دو تأکید دارند که الگوی مناسب حکمرانی متعالی می‌بایست بر اساس تعالیم حیات‌بخش قرآن کریم و سیره رسول اکرم (ص) و اهل بیت (ع) باشد. هر دو بزرگوار برای سه رکن اصلی حکمرانی یعنی مردم، کارگزاران نظام و ساختارها و نهادهای حکومتی، مؤلفه‌ها، خصوصیات و ویژگی‌هایی در نظر می‌گیرند که تحقق آن‌ها سبب هدایت جامعه به سمت تعالی مادی و معنوی می‌شود. در سطح جامعه مردم هم مخاطب حکمرانی و مصرف‌کننده محصولات و خدمات حکمرانی هستند و هم از طرفی متربی و متعلم هستند به این معنا که یکی از مهم‌ترین اهداف حکمرانی اسلامی رشد آحاد جامعه است و همچنین مردم در حکمرانی نقش مدافع و نیرویی مجاهد حکمرانی در چالش‌ها و مقابله با دشمنان هستند. مشارکت مردم در عرصه قدرت و مدیریت کشور می‌تواند کارآمدی و بهبودی وضعیت در همه ابعاد سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و... را در راستای حکمرانی سبب شود. تحول حکمرانی فرایندی است که از آن طریق هم حاکمیت و قدرت سیاسی و مردم می‌توانند در عرصه اجتماع علایق خود را بیان کنند، درباره حقوق و تعهدات خود اعمال نظر نمایند و تفاوت‌های خود را تعدیل بخشند. حکمرانی هنر هدایت جوامع و سازمان‌هاست که شامل تعامل بین ساختارها، فرایندها و سنت‌هایی که نحوه اعمال قدرت، اتخاذ تصمیم و نحوه اظهار نظر شهروندان و سایر ذی‌نفعان را مشخص می‌کند. نتایج پژوهش نشان داد که شاخص‌های آینده‌پژوهی حکمرانی دینی از منظر اندیشه‌های امامین انقلاب شامل اعتقادی (هویت اسلامی)، بهره‌وری (صراحت و روشنی در اهداف، اثربخشی و کارایی دولت، شفافیت اطلاعاتی)، مردم‌سالاری دینی (مسئولیت‌پذیری، پاسخگویی)، شهروندمداری (عدالت، مبارزه با فساد، شایسته‌سالاری)، کیفیت قوانین و مقررات (نظارت، حاکمیت قانون)، سلامت اقتصادی (کاهش فقر)، کرامت انسانی (آزادی، مشارکت، دوام و پایداری)، خردگرایی (اهتمام به علم و پیشرفت علمی) بود.

## فهرست منابع

## Articles

- Moradi, Bahram, and Sohaili, Hamidreza. (1401). Islamic governance of the people based on Jihadi management with emphasis on the statement of the second step of the revolution. *Specialized Quarterly Journal of Excellence Governance*, 2(4), 107-139. [In Persian]
- Kaviani, Massoud, Shirkhani, Ali, & Ranjbar, Maqsood. (1401). The challenge of Seyed Qutb's political thought on the expansion of religious democracy in the Islamic world. *Scientific Quarterly Journal of Islamic Awakening Studies*, 11(4). [In Persian]
- Mahmoudi, Abulqasem, Habibi, Ali, & Jamrasi, Dawood. (1401). The role of people's participation in governance transformation. *Specialized Quarterly of Transcendent Governance*, 2(4), 31-46. [In Persian]
- Shafqat Rudsari, Aria, & Tabrizd, Mohammad Saeed. (1400). Presenting the supreme Islamic-Iranian model of governance based on the thoughts of Imam Khomeini (RA) and the position of supreme leader (Mad Zalah Al-Aali). *Specialized Quarterly of Transcendent Governance*, 2(1), 7-48. [In Persian]
- Nasiri Zarkhani, Arash, and Selagi, Mohammad. (1401). The evolution of grassroots governance in Iran from the constitution to the Islamic revolution. *Specialized Quarterly Journal of Superiority Governance*, 2(4), 31-46. [In Persian]
- Shir Ali, Ismail. (1401). The concept of popularization of governance. *Specialized Quarterly of Transcendent Governance*, 2(4), 11-30. [In Persian]
- Arai, Vahid. (1402). The cultural governance of Iran's Islamic revolution inspired Islamic awakening. *Scientific Quarterly Journal of Islamic Awakening Studies*, 11(4). [In Persian]
- Turabi Kalate Ghazi, Ali. (1401). Analyzing the roles of the people in governance from the perspective of Imam Ali (peace be upon him). *Specialized Quarterly Journal of Supreme Governance*, 2(4), 174-205. [In Persian]
- Saghri, Javad, Safaverdi, Sosan, Bakshaishi Ardestani, Ahmad, & Hatami, Mohammadreza. (1401). The concept of Islamic government in the political thought of Grand Ayatollah Khamenei. *Iranian Political Sociology Monthly*, 5(6), 1983-2004. doi: 10.30510/psi.2023.385023.4266. [In Persian]
- Rahimian, Jamal, & Javaid, Mohammad Javad. (1402). A comparative study of "principle of government accountability" in the thought of Martyr Sadr and Ayatollah Khamenei. *Tehran University Public Law Studies Quarterly*, 53(3), 1159-1185. doi: 10.22059/jplsq.2021.286541.2117. [In Persian]
- Sadeghi, Elaha, & Mohadi, Samaneh. (1402). The foundations and indicators of the Islamic state from the perspective of Ayatollah Khamenei. *Government Research*, 9(33), 195-222. doi: 10.22054/tssq.2023.71453.1364. [In Persian]
- Dehghan Ashkazari, Mohammad Hossein, & Jalali Farahani, Gholamreza. (1401). Presenting the model of Islamic people-centered governance on cyber space. *Specialized Quarterly Journal of Supreme Governance*, 2(4), 206-245. [In Persian]
- Yamani, Mahmoud, Khazaei, Ali, & Ghaemi, Musa Al-Reza. (1400). Presenting the strategic components of local cultural governance based on the statement of the second step of the Islamic revolution. *Specialized Quarterly Journal of Supreme Governance*, 2(1), 161-210. [In Persian]
- Zare Sari, Alireza and Waqofi, Omid, 2019, thinking about the future from the perspective of Imam Khomeini (RA), <https://civilica.com/doc/1246512>. [In Persian]

Ghasemi, Behzad. (1401). Analysis of successful experiences in the field of governance of the grassroots: the anti-arrogance of the Iranian nation from victory to the second step of the Islamic Revolution. Specialized Quarterly of Transcendent Governance, 2(4), 47-67. [In Persian]

